

نقش ذوق در اعجاز موسیقایی و هنری قرآن



دکتر محمدجواد سعدی^۱

چکیده

قرآن کریم تنها معجزه ماندگار پیامبر گرامی اسلام (ص) است. دانشمندان مسلمان، وجوه گوناگونی را برای بیان اعجاز قرآن بر شمرده‌اند یکی از آن وجوه، فصاحت، بلاغت و جذابیت قرآن است. این جنبه قرآن با سایر گفتارها حتی احادیث نبوی تفاوت دارد. شیوه بیانی قرآن کریم، ابداعی الهی است برای ابلاغ پیام جاودانه خداوند به بشریت. از این شیوه به نگرش ذوقی زیبا شناختی تعبیر می‌کنیم.

در مقاله حاضر تلاش شده است سیر تاریخی این نگرش مورد بررسی قرار گیرد که از آن به اعجاز موسیقایی یا اعجاز هنری و مانند آن تعبیر می‌شود و همچنین ترتب این امور بر یکدیگر مورد تبیین قرار گرفته است: اعجاز موسیقایی از فروع اعجاز هنری و آن نیز از فروع اعجاز قرآن است و می‌تواند عنصر محوری و جان اعجاز بیانی باشد اما از نگاهی تازه و نو.

کلید واژگان:

قرآن، اعجاز، آهنگ قرائت، موسیقی قرآن، تبلیغ، جذابیت، بلاغت، هنر.

۱- عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه پیام نور سمنان و دکتری علوم قرآن و حدیث
نشانی الکترونیکی: m_sadi@pnu.ac.ir

مقدمه:

اسلام در منطقه‌ای ظهور کرد که مردمانش جاهل و کینه توز بودند. از آن دوره به «عصر جاهلیت» یاد می‌شود. شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوره تاریک در تاریخ و نهج البلاغه نیکو به تصویر کشیده شده است.

در میان آن قوم، پیامبری ظهور نمود که می‌خواست پیام جدید و مخالف سنت‌ها و دانسته‌های آنان را ارائه دهد. خداوند برای موفقیت پیامبر خود، معجزه فرهنگی در اختیار آن حضرت نهاد تا بتواند با تغییر فکر و روح آن مردم، جامعه را تغییر داده و از ظلمت به سوی نور و از منجلا ب به سوی پاکی رهنمون شود؛ آن معجزه فرهنگی «قرآن» بود. قرآن با ارائه روش‌های بدیع توانست نقشه‌های دشمنان را خنثی نماید و در دل مردم نفوذ کند و پیام آسمانی و جاودانه خود را به آنان برساند و از آن مردم وحشی، ملتی متمدن بسازد و تا ابد فروغ علم و فرهنگ و ادب و هنر از خود پرتو افشان کند. در این مقاله در پی آنیم که راهکار قرآن برای نفوذ در دل‌ها را شناسایی نمائیم.

از این شیوه تبلیغ قرآن به اعجاز بلاغی یا اعجاز بیانی یاد می‌شود و مورد توجه دانشمندان به ویژه ادیبان قرار گرفته است و بیشترین توجه را در این باره زمخشری (ف ۵۳۸ هـ) داشته است. قرآن، کتابی است خواندنی و ملازم با قرائت و پیغمبر اسلام آن را به شیوه گفتار بر مردم عرضه نمود و توانست از طریق گوش‌های شنوندگان به دل‌های آنان نفوذ نماید. علم بلاغت همچون دانش منطق و صرف و نحو از تحلیل بهترین گفتارها یا گفتار بهترین خطیبان استخراج شده است. در این مقاله، قصد بررسی نیازمندی‌ها و لوازم دانش بلاغت را نداریم و تنها به یک نکته از آن که جان بلاغت را تشکیل می‌دهد، یعنی «موسیقای قرآن» می‌پردازیم که بهره‌گیری از آن در گفتار قرآن خود معجزه است و از آن به اعجاز موسیقایی تعبیر می‌کنیم و با دقتی شدن در آن به اعجاز هنری خواهیم رسید.

تاریخچه اعجاز بلاغی

برای اعجاز قرآن، وجوه متعددی توسط دانشمندان مسلمان در طول تاریخ، حدوداً از اوایل قرن سوم هجری (عهد متوکل عباسی)^۲ تا کنون بیان شده است. صرف نظر از این که همه موارد یاد شده جنبه‌ای و وجهی از وجوه اعجاز یا خصوصیتی از خصوصیات اعجاز به حساب آید یا هر یک از آن‌ها معجزه جداگانه‌ای است که قابل تحدی است.

۲ - توسط علی بن رتن طبری در «الدین و الدولة» و توسط جاحظ در «نظم القرآن» و «البیان و التبیین» و «الحيوان»

در میان وجوه اعجاز قرآن یکی از وجوه از برجستگی خاصی برخوردار بوده است که غالب دانشمندان بدان گرایش داشته‌اند و هرچه از عمر مباحث می‌گذشت پر رنگ تر می‌شد و توجه آنان بدان بیشتر جلب می‌شده است. آن وجه عبارت است از «نظم و اسلوب» که از ارکان بلاغت قرآن مجید است.

برخی با عنوان «نظم» و عده‌ای به نام «اسلوب» و دیگران تحت واژه «بلاغت» از آن یاد می‌کردند.

هنر قرآن در ایجاد ارتباط با همه اقشار مردم و قدرت پیام‌رسانی شفاف و جامع به آنان بود. پیامی جهانی و جاودانه و عمیق برای مردمی که از نعمت سواد محروم و از نظر فرهنگ، علوم و تمدن از بساطت برخوردار بودند. قرآن از روش بلاغت با آن تنگناها برخوردار نمود و از قدرت نفوذ در دل و سپس در عقل مردم برخوردار شد.

توضیح این نکته بدین قرار است: یکی از اوصاف قرآن «بلاغ» است که از جمله در آیات «**هَذَا بِلَاغٍ لِلنَّاسِ**» (ابراهیم، ۵۲)، «**إِن فِي هَذَا بِلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ**» (انبیاء، ۱۰۶)، «**حِکْمَةٌ بِاللُّغَةِ**» (قمر، ۵) بیان شده است. در کتاب‌های لغت، بلاغ را به معنای «وصول و کفایت» دانسته‌اند؛ تفسیر طبری معنای اول و تفسیر مجمع‌البیان و فخر رازی معنای دوم را ذکر نموده‌اند.

وظیفه پیامبر اسلام (ص) ابلاغ این پیام آسمانی به اعماق جان‌های مردم است: «**وَقُلْ لِّهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا**» (نساء، ۶۳). گفتار بلیغ عبارت است از کلام فصیح و شیوایی که هماهنگ با حال مخاطب و شنونده باشد. «حال» عبارت است از مجموعه زمینه‌ها و شرایطی که گوینده را به نوعی از سخن گفتن وا می‌دارد که متناسب با مجموعه شرایط زمانی، مکانی و خود گوینده و شنونده باشد. (الخالدی، ۴۴)

قرآن با بهره‌گیری از «ذوق مستمع» و هنر «بلاغت» توانست در دل و جان شنوندگان نفوذ کرده، آنان را مجذوب نماید. این هنر قرآن با گذشت قرن‌ها و تنوع یافتن پیروان همچنان پایدار مانده است و امروز نیز شاهد نفوذ قرآن از طریق قرائت زیبا و آهنگ تلاوت در جان مسلمانان از صغیر و کبیر و عالم و عامی هستیم.

در تاریخ، داستان‌های متعددی از حلاوت و نفوذ آهنگ و بیان قرآن بر شنوندگان نقل شده است، همچون داستان مفروق بن عمرو (جعفریان، ۲۴۳/۱)، ابوسفیان و ابوجهل و أحنس بن شریق (ابن هشام، ۳۳۷/۱)، عتبة بن ربیعة (همان، ۳۱۴/۱) و غیره. اما داستان ولید بن مغیره شنیدنی است:

روزی پیامبر اسلام سوره غافر را در مسجد الحرام قرائت می کرد، ولید بن مغیره سخن شناس و ادیب عرب نزدیک او قرار گرفت و به قرائتش گوش فرا داد. پیامبر (ص) که دید او می شنود دوباره آیات را تکرار کرد: «بسم الله الرحمن الرحيم، حم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم، غافر الذنب...» ولید تحت تأثیر قرائت آن حضرت واقع شد. پس نزد قبيله خود بنی مخزوم آمد و به آن ها خطاب کرد و گفت: «به خدا سوگند از محمد هم اکنون گفتاری شنیدم که نه به گفتار آدمی می ماند و نه به گفتار جن و برای سخنش شیرینی و بر آن درخشندگی ویژه بود. ابتدایش پر بهره و پایانش گوارا بود و این گفتار به پیش می تازد و باز پس نمی ماند.» مفسران ذیل آیات نخستین سوره مدثر به این حادثه تاریخی اشاره نموده اند. (طبرسی، ۱۰ / ۱۹۷، قرطبی، ۱۹ / ۷۲)

اعجاز هنری

اعجاز هنری قرآن اولین بار توسط سید قطب در التصوير الفنی فی القرآن مطرح شد و پس از او دانشمندان نظریه او را گسترش و توضیح دادند.

این دیدگاه معتقد است که در قرآن با کلمات صورت پردازی شده است و انسان می تواند صحنه ها را از پشت پرده کلمات و صداها ببیند.

محققان پس از سید قطب با نگرش هنری به قرآن رجوع کردند و داستان سرائی مختص قرآن را کشف کردند (البته خود قرآن به شیوه داستان سرائی خود در سوره یوسف راهنمایی کرده است). مفسران توانسته اند از طریق بیانات قرآنی مثلاً در داستان حضرت نوح یا اصحاب کهف یا ذوالقرنین حقائق تاریخی را کشف کنند.

دانشمندان علوم طبیعی توانسته اند به برخی از جنبه های مبهم حیوانات (از جمله درباره زنبور عسل، مورچه، هدهد و...) از طریق قرآن برخورد کنند و نکاتی را کشف کنند.

از جمله موارد اعجاز هنری قابلیت نگارش ظریف و هنرمندانه و خوش نمای کلمات و آیات قرآنی است. یکی از هنرشناسان قرآن پژوه و مترجم قرآن می گوید:

یکی از خصائص بارز قرآن، آهنگ دلنشین و ویژگی دیگر این کتاب آسمانی، تصاویر هنرمندانه ای است که نوازشگر چشم و خیال یا مایه دهشت و بیم است. شعر جامع یا سخن جامع باید واجد حداقل ۴۰ شرط باشد و هر اندازه اوصاف مزبور کاستی گرفت، سخن از متعالی به عالی، خوب، متوسط، عادی، مبتذل، سست و پست تنزل خواهد کرد... خوشنویسی: سخن زیبا به همان اندازه که زود داخل حافظه می شود و با آهنگ خوش

ازدواج می‌کند، در کتابت نیز از خود آمادگی نشان می‌دهد و گویی فواصل و انحناها چنان حساب شده که از کتابت آن چشم لذت می‌برد. کتابت قرآن و حافظ و سعدی این گونه است. (سید قطب، ۱۹۲-۲۰۸)

در تأیید این دیدگاه حدیثی را از امام علی (ع) نقل می‌کنیم که می‌فرماید: قرآن را بازبیا نویسی نورانی کنی همچنان که خداوند آن را نورانی کرده است (سیوطی، ۲/ ۲۱۸) یکی از معانی این فرموده، می‌تواند این باشد که: «قرآن قابلیت زیبایی نوشتاری را دارد.»

اعجاز موسیقایی

از فروع اعجاز هنری، اعجاز موسیقایی یا صوتی قرآن است که از آن به آهنگ قرآن تعبیر می‌کنند. این دیدگاه همچون دیدگاه پیشین، آخرین دستاوردهای تحقیقات قرآن پژوهان هنرمند و با قریحه و خوش ذوق می‌باشد.

اولین کسی که به طور مفصل این دیدگاه را به جامعه علمی عرضه کرد شیخ مصطفی صادق الرافی از علمای مصر در کتاب: «اعجاز القرآن و البلاغة النبویة» بود و پس از او به صورت مصدق، سید قطب این دیدگاه را با روش ویژه خود در کتاب‌های «التصویر الفنی فی القرآن» و «مشاهد القیامه» و تفسیر «فی ظلال القرآن» پیاده کرد و موارد فراوانی از موسیقی قرآنی را نشان داد و کم‌کم به صورت یک رشته علمی ظهور کرد و افراد بسیاری هم در میدان نظر و بررسی و هم در میدان عمل و اجرای فنون موسیقی در قرائت قرآن یا تبدیل آهنگ قرآن به نت به این رشته هنری پرداختند.

موسیقی قرآن

دانشمندان معاصر به وجود آهنگ ویژه برای قرآن اعتراف کرده‌اند؛ ابتدا این آهنگ را از میان چینش کلمات و زنگ حروف و وجود حروف آهنگ ساز مدی می‌جستند که از آن به «موسیقی ظاهری» تعبیر می‌شود، سپس با تأمل در شیوه بیان قرآن و آثار آن بر شنونده به جنبه دیگری از موسیقی قرآنی پی برده‌اند که از آن به «موسیقی باطنی قرآن» تعبیر می‌کنند.

این نگرش بدان رو که آخرین ره آورد تحقیقات قرآن پژوهان است، همچنان در حال

تکمیل و رشد است؛ البته ریشه این نظریه در کتاب‌های رافعی و قطب وجود دارد. دراز^۳ و زرقانی^۴ و حمصی^۵ نیز به این جنبه اعجاز قرآن توجه کرده‌اند. حسن ضیاء‌الدین عتر^۶ این خصوصیت را تبیین کرده و احمد یاسوف در «جمالیات المفردة القرآنیة فی کتب الاعجاز و التفسیر» و طالب محمد اسماعیل الزوبعی در «اسالیب التعبير القرآنی» و مصطفی محمود در «محاولة لفهم عصری للقرآن» حق مطلب را در این باره ادا کردند و جنبه‌های مختلف قضیه را با شواهد متعدد قرآنی آشکار ساختند.

عنصر محوری در اعجاز بلاغی یا اعجاز بیانی، موسیقایی قرآن است که انسان‌های صاحب ذوق سخن شناس می‌توانند به این وجه از اعجاز پی ببرند. دیگران نیز با اعتماد به دیدگاه اینان به این بُعد از اعجاز اذعان می‌کنند.

ذوق را در لغت به معنای قوه چشایی دانسته‌اند و سپس در معنای آن توسعه داده و چشیدن احساسی را نیز در معنای ذوق داخل دانسته‌اند و لذا آن را اعم از چشیدن حسی و احساسی دانسته‌اند. تفتازانی در کتاب «المطول» ذوق را چنین تعریف می‌کند: الذوق قوه إدراکیّة تُعرف بها لطائف الكلام و محاسنه: «ذوق عبارت است از قوه درک کننده‌ای که نکته سنجی‌های زیبا شناسانه گفتار را می‌شناسد».

حسن زاده آملی می‌گوید: ذوق در لسان شعر و ادب آن است که شیرینی شعر نیکو و کلام زیبا را درک می‌کند و استعداد تمییز دادن و لذت بردن را دارد.

قیصری در «فصوص الحکم» گوید: المراد بالذوق ما یجده العالم علی سبیل الوجدان و الكشف لا البرهان و لا الکسب و لا علی طریق الکسب بالأیمان و التقلید: «مراد از ذوق آن احساسی است که داننده به گونه دریافت درونی بدان دست می‌یابد نه با استدلال یا اعتقاد و تقلید.» (ثقفی تهرانی، ۲۱-۲۲)

ابن ابی الحدید دانشمند سنی معتزلی شارح نهج البلاغه می‌گوید:

«تشخیص فصاحت و بلاغت و زیبایی‌های گفتار، تنها بر عهده ذوق [ادیبان] است و بس»

(زرکشی، ۲۵۱/۲)

دانشمندان سخن شناس و ادیب به عنصر ذوق در این جنبه اعجاز تصریح کرده‌اند، مثلاً علی بن عیسی رمانی (ف ۳۸۲هـ) معتقد است که:

۳ - دکتر محمد عبدالله دراز در النبأ العظیم.

۴ - شیخ محمد عبدالعظیم الزرقانی در مناهل العرفان فی علوم القرآن.

۵ - نعیم الحمصی در فکرة إعجاز القرآن منذ بعثة النبوة حتی عصرنا الحاضر.

۶ - دربینات المعجزة الخالدة.

«راه کشف برتری اسلوب قرآن بر سایر گفتار بشری بسته به ذوق انسان است.» (الحمصی، ۶۳-۶۴)

خطابی (ف ۳۸۸هـ) در بیان اعجاز القرآن می گوید:

«بیشتر دانشمندان معتقدند که اعجاز قرآن به بلاغت آن است. اما چون شرح این مطلب برای آن‌ها مشکل بود به حکم و داوری ذوق گردن نهادند.» (سیوطی، ۱۵۴/۲)

عبدالقاهر جرجانی (ف ۴۷۱هـ) در دلائل الإعجاز معتقد است که: «راه عمده شناخت بلاغت و رسائی در نظم اعجازی قرآن، ذوق و احساس روحی و آشنائی با گفتار عرب‌ها است.» (الحمصی، ۸۹)

سکاکي (ف ۶۲۶هـ) در مفتاح العلوم می گوید: «اعجاز قرآن چشیدنی است نه گفتنی. همچنان که راست آمدن وزن شعر چنین است. چنان که نمکین و گیرا بودن چیزی این گونه است. گوش‌نواز بودن صدای آهنگ از این گونه است و برای آن‌ها که از ذوق سلیم بی بهره‌اند به دست نخواهد آمد مگر به دانستن علم معانی و بیان و تمرین فراوان در آن.» (سیوطی، ۱۵۴/۲)

این بعد از اعجاز را قاضی ابوبکر باقلانی (ف ۴۰۳هـ) در ده بند در کتاب «اعجاز القرآن» به نیکی توضیح داده است. خلاصه گفتار ایشان چنین است:

باقلانی اعجاز قرآن را در سه چیز می‌داند: ۱- خبر دادن از آینده و تحقق وعده‌های قرآنی برای پیامبر (ص) ۲- خبر دادن از گذشته با آن که پیامبر اسلام (ص) کتابی درباره اخبار پیشینیان نخوانده بود. ۳- نظم نوین و ساختاری شگفت و بلاغت بی نظیر قرآن. باقلانی وجه سوم را که به بعد ذوقی درک اعجاز مربوط است در ده بند توضیح می‌دهد. (باقلانی، ۴۷-۲۳)

وی در ابتدا خلاصه این ده بند را چنین بیان می‌کند:

۱- نظم قرآن از نظر نثر و شعر- بر خلاف نظم معهود کلام عربی است.
۲- دارای سطح عالی بلاغت و رسائی به رغم طولانی بودن آن.
۳- سطح عالی بلاغت در بیان همه غرض‌های خود همچون قصه، موعظه، حکمت، قانون گذاری، وعده، تهدید، استدلال، بشارت، ترساندن و غیره همه فنون گفتاری با بلاغت ادا شده‌اند.

۴- وجود تناسب بین مطالب آن و حسن انتقال از مطلبی به مطلب دیگر.

۵- همه جن و انس از آوردن همچون قرآن عاجز مانده‌اند.

۶- همه قواعد و مقررات بلاغی که در گفتار ادیبان پیشین عرب وجود داشت، در خود جمع کرده است.

۷- هماهنگی الفاظ با معنی مورد نظر دین و بهترین بیان مطالب دینی ابداعی از طریق الفاظ و عبارات رایج.

۸- به کارگیری دلنشین‌ترین کلمات عربی.

۹- به کارگیری حروف مقطعه در اوایل سوره‌ها که از اصناف حروف و صفات حروف نیمی را به کار گرفته است.

۱۰- عبارت‌های قرآن روان است؛ نه لفظ گنگ یا سخت به کار برده و نه عبارت پردازی کرده است. (عتر، ۲۲۶-۲۲۷)

پس از باقلانی عبدالقاهر جرجانی در دو کتاب «دلائل الإعجاز» و «اسرار البلاغة» این بعد از اعجاز بلاغت و فصاحت قرآن که در علم معانی و بیان توضیح داده می‌شوند را کاملاً شکافته است.

پس از جرجانی، نوبت جارالله زمخشری (ف ۵۳۸ هـ) می‌رسد که حق مطلب را در این باره از اول تا آخر قرآن ادا می‌کند و به گفته ابن خلدون:

«ظهر جار الله الزمخشری و وضع كتابه فی التفسیر و تتبع آی القرآن بأحكام هذا الفن بما یبیدی البعض عن اعجازه فانفرد بها الفضل علی جمیع التفاسیر.» (ابن خلدون، ۳۴۳)

از معاصرین، «فرید وجدی» در دائرة المعارف خود صراحتاً می‌گوید: «واعلم أن شأن الاعجاز عجیب یدرک و لا یمکن وصفه کاستقامة الوزن تدرک و لا یمکن وصفها و کالملاحه

فمدرك الاعجاز هو الذوق» (وجدی، ۶۷۷-۶۹۵)

عبارت پیش گفته سکاکی نیز بازگو کننده دیدگاه او است.

تأثیر روحی (نفسی)

مقصود از تأثیر روحی یا نفسی که اخیراً در گفتار دانشمندان قرآن پژوه به کار می‌رود، تأثیر گذاری در جان و تحریک احساسات انسان است و موجب لذت یا خشوع و در دشمنان موجب بغض و کینه و لجاجت و روی گردانی می‌شود.

دیدگاه تأثیر روانی قرآن از فروع دیدگاه موسیقایی قرآنی است که ابتدا توسط ابو سلیمان خطابی مطرح شده است. در این دیدگاه، بدون این که شخص بخواهد دانش معانی و بیان و دقائق و ظرائف فصاحت و بلاغت را با آموزش علمی و تمرین عملی فرا بگیرد، یک سره به سراغ اثر کلام می‌رود و زیبایی آن را حس می‌کند.

روانی، شیوائی، گیرایی، آسان فهمی گفتار از یک سو و دریافت پیام، محتوا، شیفتگی، خشوع و ترس از سوی دیگر از ویژگی‌های این جنبه از اعجاز ذوقی است. لذا نه خواندن مکرر قرآن، خستگی و ملالت می‌آورد و نه شنیدن مکرر آن. خطابی (ف ۳۸۸ هـ) می‌گوید: «جنبه دیگری از اعجاز قرآن به نظرم رسیده است و دیگران بدان توجه نکرده‌اند که عبارت است از: تاثیرگذاری قرآن در جان و دل ها. گفتاری جز قرآن را نمی‌یابی از شعر و نثر که به مجرد شنیدنش به دل نفوذ کند و هم لذت بخش و شیرین باشد و هم ترساننده و لرزاننده.» (اتقان، ۱۵۵/۲)

خطابی با استناد به آیات ۴۱ و ۴۶ سوره اسراء و آیه ۲۶ سوره فصلت و آیات ۱۸-۲۵ سوره مدثر تاثیر قرآن را بر نفوس کفار و با استناد به آیه ۲۳ سوره زمر و آیه ۸۳ سوره مائده و آیه ۲ سوره انفال و آیه ۲۱ سوره حشر و آیه ۱۶ سوره حدید تاثیر قرآن را بر جان‌های سالم ثابت می‌کند.

برخی از علما به لازم و برخی به ملزوم این دیدگاه اشاره کرده‌اند و جلال الدین سیوطی در الإقتان آن‌ها را یادآوری کرده است. (سیوطی، ۱۵۵/۲-۱۵۶) ابن سراقه (ف ۶۲۲ هـ) چنین نقل قول می‌کند:

«دیگران درباره وجه اعجاز گفته‌اند: خواننده قرآن خسته و شنونده قرآن دل زده نمی‌شود هر چند قرائت قرآن تکرار شود.» (همان)

زرکشی (ف ۷۹۴ هـ) از جمله وجوه اعجاز را این چنین بر می‌شمارد:

«از جمله آنهاست؛ ترس و لرزی که در دل‌های شنوندگان می‌افتد چه مؤمن به قرآن باشند و چه منکر آن از جمله: همیشه در گوش شنونده و بر زبان خواننده تر و تازه می‌نماید از جمله عباراتش هم عمیق و سنگین و هم شیرین و دلچسب است در حالی که این دو با هم ناسازگارند.» (زرکشی، ۲۳۷/۲)

چنان که معلوم است قسمت سوم اشاره به ملزوم اعجاز ذوقی دارد و قسمت اول و دوم به لازم آن.

قاضی عیاض (ف ۵۴۴ هـ) در الشفاء می‌گوید:

«از جمله لرزی که در دل شنوندگان قرآن می‌افتد و ترسی که در دل خوانندگان از جمله: قاری قرآن دلزده نمی‌شود و شنونده قرآن ناپسند نمی‌شمارد بلکه هرچه بیشترش خوانند شیرین تر بیابند و هرچه تکرارش کنند بیشترش دوست بدانند.» (الاتقان، ۱۵۶/۲)

قطب الدین راوندی، گفتار زیبایی درباره ویژگی قرآن در کتاب «الخرائج و الجرائح» بیان

داشته است و علامه مجلسی در بحارالانوار تحت عنوان «باب وجوه اعجاز القرآن» آورده است. (مجلسی، ۱۲۸/۸۹). قطب راوندی (ف ۵۷۳هـ) می گوید:

«قرآن ویژگی هایی دارد که عبارتند از: یک: نظمش به هیچ گونه نظم ادبی نمی ماند و اگر قرآن فرود نمی آمد هیچ سخنوری مانندش را نمی آورد. دو: لرزی که در دل شنوندگان می افتد و مؤمنان مجذوب گفتارش می شوند... سه: همواره تر و تازه است نه کهنه می شود و نه خواننده اش ملول می گردد... چهار: پنج: بین دو ویژگی ناسازگار سازش انداخته است، یکی سنگینی و پر محتوایی و دیگری شیرینی و دلربایی.

ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود در فصل ۴۴ می گوید:
قرآن نه نثر مرسل است و نه نثر مسجع «بل تفصیل آیات ینتهی الی مقاطع یشهد الذوق بانتهاء الکلام عندها...»

قرآن، عبارت‌های یکسره‌ای است که با پایان هر آیه از هم جدا می شوند و ذوق آدمی شهادت می دهد که پایان آیه‌ها پایان گفتار هم هست (ابن خلدون، ۳۵۱).
شهید مطهری در چند مورد از آثار خود به این مورد از اعجاز قرآن توجه داده است؛ در یک جا می گوید:

«اصولا خود تلاوت قرآن، موضوعیت دارد به خاطر اثری که در خصوص تلاوت قرآن موجود است و این اثر هم باز مربوط به همان سبک و زیبایی قرآن است... این حلاوت و شیرینی قرآن و این که هر چه تکرار می شود از شیرینی اش کاسته نمی شود از وجوه اعجاز قرآن کریم است.» (مطهری، مجموعه آثار، ۴ / ۵۵۹-۵۶۰)
و در جای دیگر می گوید:

«یکی از وجوه اعجاز قرآن همان «جنبه هنری» است که اصطلاحاً آن را فصاحت و بلاغت می گویند ولی این تعبیر نارسا است؛ زیرا «فصاحت» به معنای روشنی و «بلاغت» به معنای رسایی است... و بایستی به آن «جذابیت» را اضافه نمود که حاکی از دلربایی قرآن است؛ زیرا قرآن به نحو خاصی در دلها نفوذ می کرد.» (مطهری، آشنائی با قرآن، ۲۰۱ / ۳۶)
در روایات چندی، ایده شناخت اعجاز بلاغی و هنری مطرح شده است. از جمله امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه می فرماید:

«لَا تَخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَ لَوْجُ السَّمْعِ: نه خواندن مکرر و نه شنیدن مداوم قرآن، آن را کهنه نمی سازد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

نیز امام رضا (ع) در عیون اخبارالرضا می فرماید:

«لا یُخلَق علی الأزمنة و لا یَغِثُ علی الألسنة لآنه لم یُجعل لزمان دون زمان قرآن در گذر زمان کهنه نمی شود و بر زبان ها مبتدل و بی مزه نمی گردد؛ زیرا برای همه دوران ها است.» (حکیمی، ۱۳۰/۲)

آلوسی در روح المعانی، مصطفی صادق الرافعی در اعجاز القرآن^۷ تحت عنوان باب وجوه اعجاز القرآن، دکتر محمد عبدالله دراز در النبأ العظیم^۸، استاد امین الخولی از جمله در مقاله «البلاغة و علم النفس» در مجله دانشکده ادبیات دسامبر ۱۹۳۶^۹، آیه الله خوئی در البیان^{۱۰} و فرید وجدی در دائرة المعارف^{۱۱} به این جنبه یا خصوصیت قرآن اشاره داشته اند و برای پرهیز از دراز نویسی از آوردن عبارات های آنان چشم می پوشیم. دو تن از دانشمندان قرآن پژوه معاصر درباره اعجاز روحی قرآن توضیح کامل داده اند که یاد کردن از آنان نیکو است؛ یکی نعیم الحمصی در کتاب فکرة اعجاز القرآن است و دیگری حسن ضیاء الدین عتر در بینات المعجزة الخالدة می باشد.

جمع بندی

در این مقاله به اعجاز صوتی یا موسیقایی قرآن که از جنبه های اعجاز هنری است پرداختیم. مهم ترین جنبه ای که از همان ابتدا نظر علما را به خود جلب کرده بود: نظم و سیاق آن بود؛ ابتدا به ادبیات قرآن و نظم و وزن آن پرداختند. بعدها به فصاحت و بلاغت آن توجه کردند و در این مسیر عنصر ذوق در شناخت وجه اعجاز برجستگی پیدا کرد و پس از آن مسأله اعجاز روحی و جذابیت جادویی قرآن مدنظر قرار گرفت و سپس جنبه های هنری قرآن مورد توجه واقع شد و در دوران معاصر، بُعد موسیقایی قرآن به عنوان یک وجه یا خصوصیت از ویژگی های قرآن و اعجاز آن مورد بررسی واقع شده است و از آن به سمفونی ویژه قرآن تعبیر کرده اند. این دو مورد اخیر را می توان اعجاز هنری و اعجاز صوتی قرآن نامید. اما این که سر اعجاز صوتی در چیست؟ مورد بحث موسیقی دانان واقع شده است. سیر تاریخی تاثیر گذاری «ذوق» در درک اعجاز قرآن نزد دانشمندانی که در این باره قلم زده اند در نمودار زیر ترسیم شده است.^{۱۲}

۷ - اعجاز القرآن، ص ۲۱۶.

۸ - النبأ العظیم، ص ۴۹.

۹ - رک: فکرة اعجاز القرآن، ص ۸۳۳.

۱۰ - البیان، ص ۵۰۱.

۱۱ - دائرة المعارف القرن العشرين، پیشین.

۱۲ - در کنار اعجاز هنری و اعجاز صوتی گسترش علوم و فنون امکان کشف وجوه دیگری از اعجاز قرآن را نیز فراهم

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم	مرحله پنجم
تاثیر نفسی و روانی از طریق درک نظم ادبی قرآن	اعجاز هنری از طریق درک معانی برتر جملات	اعجاز صوتی قرآن از طریق درک جذابیت لفظ و معنا	درک فصاحت قرآن از طریق درک آهنگ و سمفونی قرآن	درک بلاغت قرآن



ساخته است که جزء آخرین ره آوردهای تحقیقات علمی درباره اعجاز قرآن است، از جمله آن‌ها یکی اعجاز علمی و دیگری اعجاز حسابی یا عددی قرآن می‌باشد.

منابع:

- ۱- سيوطي، جلال الدين، الاتقان في علوم القرآن، رحلي، بيروت، دارالمعرفة، بي تا، تحقيق مصطفى ديب البغا، بيروت، دار ابن كثير، ۱۹۸۷.
- ۲- الحسيني، سيد جعفر، اساليب البيان في القرآن، تهران، مؤسسة الطباعة و النشر، وزارة الثقافة و الإرشاد الاسلامي، ۱۴۱۳.
- ۳- مطهري، مرتضى، آشنایي با علوم اسلامي، كلام عرفان حكمت عملي، قم، صدر.
- ۴- مطهري، مرتضى، آشنایي با قرآن، تفسير سوره حمد و بقره، قم، صدر.
- ۵- ابن سينا، علي بن الحسين، الاشارات و التنبيهات، شرح خواجه نصير الدين طوسي، دفتر نشر كتاب، دوم، ۱۴۰۳.
- ۶- قاضي ابوبكر محمد بن الطيب، اعجاز القرآن، باقلائي، هـ ق، تحقيق السيد احمد صقر، دارالتعارف، قاهره، پنجم، ۱۹۸۱.
- ۷- محمدرافعي، مصطفى صادق، اعجاز قرآن و بلاغت، ترجمه عبدالحسين بن الدين، تهران، انتشارات بنياد قرآن.
- ۸- محمد بن يعقوب رازي، اصول كافي، كليني با ترجمه سيد هاشم رسولي، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بيت (ع)، بي تا.
- ۹- سيد قطب، أفرينش هنري در قرآن، ترجمه محمد مهدي فولادوند، تهران، انتشارات بنياد قرآن.
- ۱۰- حسن زاده آملی، حسن، انسان و قرآن، قم، قيام، ۱۳۷۵.
- ۱۱- تقفي تهراني، ميرزا حسن، انسان و اندیشه، (خلاصه كتاب اتحاد عاقل و معقول، حسن زاده آملی)، هاد، بي جا، ۱۳۷۱.
- ۱۲- سعدي، محمد جواد، آهنگ قرائت قرآن از دیدگاه قرآن و سنت، رساله دکتری، دانشگاه تربيت مدرس تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۳- المجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، بيروت.
- ۱۴- زرکشي، بدرالدين محمد، البرهان في علوم القرآن، تحقيق دكتور مرعشي و ديگران، دوم، بيروت، دارالمعرفة، ۱۹۹۴.
- ۱۵- خويي، سيدابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، پنجم، قم، مطبعة العلمية.
- ۱۶- بينات المعجزة الخالدة، عتر، حسن ضياءالدين، حلب، دارالنصر، ۱۹۷۵.
- ۱۷- جعفریان، رسول، تاريخ سياسي اسلام، ج ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳.
- ۱۸- دكتورفاضل صالح، التعبير القرآني، السامرائي، عمان، (اردن)، دار عمار، ۱۹۹۸.
- ۱۹- مغنيه، محمد جواد، التفسير الكاشف، بيروت، دارالعلم للملأئين، ۱۹۷۰.
- ۲۰- معرفت، محمد هادي، التمهيد في علوم القرآن، دوم، مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ۱۴۱۶.
- ۲۱- قرطبي، ابو عبدالله، الجامع لاحكام القرآن، پنجم، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۷ هـ ق.
- ۲۲- ياسوف، احمد، جماليات المفردة القرآنية في كتب الاعجاز و التفسير، اشراف و تقديم دكتور

- نور الدین عتر، دمشق، دار المکتبی، ۱۹۹۴.
- ۲۳- عاملی، جعفر مرتضی، حقائق هامة حول القرآن الکریم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۴- الحکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، سوم، ۱۳۶۰ ش.
- ۲۵- راوندی، قطب الدین سعید ابن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الامام المهدي، ۱۴۰۹.
- ۲۶- ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الیاری، عبدالحفیظ شلبی، مصر، مطبعة البانی الحلبي، ۱۹۶۳.
- ۲۷- کمالی دزفولی، سید علی، شناخت قرآن، فجر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۲۸- الجزری، محمد بن محمد، غایة النهایة، قاهره، مکتبه المتنبی، ۱۹۳۴.
- ۲۹- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، تحقیق عبدالعزیز بن باز، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۸۹.
- ۳۰- الحمصی، نعیم، فکرة اعجاز القرآن منذ البعثة النبویة حتی عصرنا الحاضر، دوم، مؤسسه الرسالة، بیروت، ۱۹۸۰.
- ۳۱- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق (۱)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳۲- محمد بن یعقوب رازی، الکافی، کلینی، تحقیق شیخ محمد جواد فقیه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ق.
- ۳۳- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی الغزنوی، کشف المحجوب، تصحیح: و. ژوکوفسکی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۹۷۹.
- ۳۴- القبانی، محمد عربی، کفایة المستفید فی علم القراءة و التجوید، دمشق، بیروت، دار الخیر، ۱۹۹۸.
- ۳۵- عیوضی، سدید الدین محمد، گزیده جوامع الحکایات و لوازم الروایات، به کوشش دکتر جعفر شعار، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، سوم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۳۶- الصالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۷.
- ۳۷- جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، عبدالله، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷.
- ۳۸- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، افسست از روی چاپ، ۱۹۵۸، دارالتقرب مصر، تهران، ۱۹۹۷.
- ۳۹- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴، قم، صدرا.
- ۴۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، محاضرات الادباء، قم، مکتبه الحیدریة، ۱۳۷۴.
- ۴۱- ابو زهره، محمد، قاهره، المعجزة الکبری، دار الفکر العربی، بی تا.
- ۴۲- ذهبی، محمد بن احمد، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، تحقیق ابی عبدالله، محمد حسن اسماعیل الشافعی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۷.
- ۴۳- الهی قمشه ای، حسین، مقالات، بی جا، روزنه، ۱۳۷۹.
- ۴۴- ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمة، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۸.
- ۴۵- الزرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مصر، دار الاحیاء الکتب العربیة،

- بی تا.
- ۴۶- النووی، یحیی ابن شرف الشافعی، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۱ م.
- ۴۷- زاهدی، تورج، موسیقی و حکمت معنوی، تهران فردوس، ۱۳۷۷.
- ۴۸- طباطبائی (علامه)، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۷.
- ۴۹- سید رضی، نهج البلاغة، جمع آوری تحقیق دکتر صبحی صالح،
- ۵۰- محمد بن الحسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق شهید ربانی شیرازی و محمد رازی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۷.
- ۵۱- عبدالفتاح الخالدي، صلاح، هذا القرآن، عمان، دارالمنار للنشر و التوزيع، ۱۹۹۳.





شپښه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی